

فرهنگ یهود و تأثیر آن در بازتولید نگاه جاهلی به جایگاه زن مسلمان در خانواده

فاطمه جعفرنیا^۱

چکیده: در دوران قبل از اسلام در منطقه جزیره العرب همانند سایر مناطق، نگرش منفی به زن نگاه غالب بوده است. اسلام این نگرش را متحول کرد. در گفتمان قرآن با تأکید بر خلقت یکسان زن و مرد و تبیین بینش اسلام در مورد تشکیل خانواده، زن از هویتی مشترک با مرد و از موقعیت بهتری در عرصه خانواده برخوردار شد. در پی رحلت پیامبر(ص)، اراده جامعه اسلامی بر این اندیشه استوار شد که گفتمان اسلام درباره زن در حاشیه قرار گیرد. نگارنده بر آن است که عناصر ادیان و اقوام دیگر، از جمله عناصر فرهنگ یهود، در تقویت این جریان و باز تولید نگاه جاهلی به زن تأثیرگذار بوده است. فرهنگ یهود که در برگزیده شاخص‌های نگاه منفی در بُعد جایگاه زن در خانواده بود، بانگاه جاهلی در این زمینه هم‌سویی یافت. نتیجه پژوهش حاضر آن است که سیاست خلفا برای فراهم کردن زمینه نفوذ و رواج عناصر فرهنگ یهود به وسیله اخبار نومسلمان و راویان آن‌ها، منجر به ظهور احادیث و روایت‌هایی شد که هر چند به نام احادیث اسلامی به فرهنگ اسلامی راه یافت، در حقیقت چیزی جز بازتولید نگاه جاهلی به زن نبود. از این رو، آگاهی از آموزه‌های اصیل اسلامی از آموزه‌های جاهلی بازتولید شده به نام اسلام از اهداف این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: زن، قرآن، سیره نبوی، عصر جاهلی، یهود

Jewish culture and its impact on the reproduction of Jaheli Perceptions of Muslim women in the family

Fateme Jafarnia¹

Abstract: Before Islam in the region of Jazyrat Al-Arab, like other regions, the dominant attitude towards women was negative. Islam however changed this outlook. With the emphasis of the Holy Quran on the creation of men and women and the family bond between husband and wife a better position was enjoyed. With the demise of the Prophet, in the Islamic community, the discourse about the Muslim woman is placed in the margin. The writer believes that elements of other religions and ethnic groups including elements of Jewish culture are important in strengthening the trend to reproduce the look towards woman. Jewish Culture which encompasses negative indicators to words woman in social family life got the upper hand, and sided with the Jahili concepts.

The study aims to reveal that the policy of the khulafa provide the ground for the influence of Jewish Cultural elements, and the emergence of – a body of tradition (Hadith), a though in the name of Islam, were nothing but the reproduction of the pre-Islamic Concepts.

Key word: Women- Jahiliyat, Women-Quran-Sire Nabavi-Jaheli, women – Jewish concepts

1 Assistant Professor, History University of Payme Noor sabajafarnia@yahoo.com

مقدمه

پژوهش‌های متعدد دربارهٔ وضعیت زن در ادوار مختلف تاریخ و در میان اقوام و ملل گوناگون؛ می‌نمایند آن است که نگاه منفی به زن، نگرش غالب بوده است. در منطقهٔ جزیرهٔ العرب پیش از اسلام نیز نگاه منفی به زن غلبه داشت. با ظهور اسلام؛ زن از مقام و موقعیت بهتری برخوردار شد. علی‌رغم مقاومت و مخالفت برخی از صحابه با اقدامات پیامبر(ص) در راستای تبیین آیات قرآن در باب زن؛ پیامبر(ص) می‌کوشید با اجرای آموزه‌های قرآنی؛ دیدگاه مسلمانان را نسبت به زنان متحول کند. با تبیین تلقی اسلام از امر تشکیل خانواده، زن از هویتی مشترک با مرد و از موقعیت بهتری در عرصهٔ خانواده برخوردار می‌شد. با وجود ایجاد شرایط مطلوب نسبی برای زنان در عصر نبوی در مقایسه با دورهٔ جاهلی؛ با رحلت پیامبر(ص) و تحول جامعه، بسیاری از سنت‌های جاهلی بازتولید شد. از همان ابتدا خلفا در مقام جانشینان پیامبر(ص) روشی برخلاف روش ایشان در برخورد با زنان پیش گرفتند. بنابراین در گام نخست، حکومت، نخستین عامل بازتولید نگاه جاهلی به زن بود. علاوه بر این، باورهای ادیان پیش از اسلام از جمله یهود در این زمینه تأثیرگذار بود. سابقهٔ نفوذ باورهای یهود در میان اعراب جزیرهٔ العرب به دورهٔ قبل از اسلام بازمی‌گردد. در دورهٔ اسلامی هم بسترهای مناسبی برای نفوذ و رواج عناصر فرهنگ یهود فراهم شد. آن‌چه بعد از رحلت پیامبر(ص) در جامعهٔ اسلامی رخ داد؛ اقدامات ایشان و اجرای تمامی آموزه‌های اسلامی دربارهٔ زن نبود بلکه نفوذ و رواج باورهای یهودی در جامعهٔ اسلامی با اندیشه‌های جاهلانانه دربارهٔ زن هم‌سویی یافت و به بازتولید نگاه جاهلی به زن یاری رساند. بر این اساس پاسخ به این پرسش ضروری است که باورهای یهود، در بُعد خانواده چه تأثیری در بازتولید نگاه جاهلی به زن در جامعهٔ اسلامی داشته است؟

جهت بررسی موضوع، فرضیهٔ زیر مورد توجه می‌باشد:

بازتولید نگاه جاهلی به زن در جامعهٔ اسلامی (در زمینهٔ خانواده) متأثر از

باورهای یهود در باب جایگاه زن در خانواده، ازدواج و طلاق بوده است. این مسئله در نهایت تحریف آموزه‌های اسلام را در پی داشت و سبب شد آن چه در متون و منابع اسلامی درباره زن انعکاس یافته است در تعارض با اسلام و آموزه‌های آن باشد. لذا بازشناسی آموزه‌های اصیل اسلامی از آموزه‌های جاهلی بازتولید شده به نام اسلام از اهداف این پژوهش است.

شاخص‌های نگاه جاهلی به جایگاه زن در خانواده

در نگاه جاهلی، زن به لحاظ جسمی موجودی ضعیف و ناتوان محسوب می‌شد. پیامد این نگرش، کراهت جامعه از داشتن فرزند دختر بود. عرب جاهلی، زن را به مکر و خدعه متهم و از مشورت با او خودداری می‌کرد.^۱ با این تلقی، در محیط خانواده از زن، بیش از هر چیز ازدیاد نسل قبیله را انتظار داشتند.^۲ در چنین شرایطی مهم‌ترین مسئله زندگی زنان، ازدواج بود. به همان اندازه که هویت انسانی زنان، جز در سایه حضور مردان، معنایی نداشت، هویت فردی و اجتماعی آنان نیز جز با ازدواج، مفهومی نمی‌یافت. اما نقش زنان در این امر (به استثنای زنان شریف) تقریباً هیچ بود. انتخاب همسر، با نظر مردان خانواده صورت می‌گرفت.^۳

- ۱ جوادعلی (۱۴۱۳ق)، *المفصل فی التاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۴، بغداد: [بی‌نا]، ص ۶۱۷؛ حسین‌الحاج‌حسن (۱۹۸۴م)، *حضارة العرب فی عصرالجاهلیة*، بیروت: المؤسسةالجامعية للدراسات و النشر و التوزیع، ص ۱۴۵؛ نیز نک: صادق آئینه‌وند (۱۳۸۶)، «زن و تاریخ»، *مجله مطالعات زنان*، ش ۱، صص ۳-۴.
- ۲ جوادعلی، همان، ج ۴، صص ۶۳۸-۶۳۹؛ جامعه جاهلی برای زن به اعتبار زن بودن، ارزشی قائل نبود. اگر این زن فرزند پسر به دنیا می‌آورد در قبیله مورد قبول واقع می‌شد. اگر زن بیش از سه فرزند پسر به دنیا می‌آورد، لقب «ام‌البنین» می‌یافت و اگر در قبیله‌ای هم ده فرزند پسر داشت، «بنت‌سعد» می‌شد. در این شرایط بود که گفته می‌شد: «المرأة الفیحة الولود خیر من الحسناء العاقر». الحاج حسن، همان، ص ۱۴۶.
- ۳ در میان اشکال متنوع و متعدد ازدواج‌های مرسوم میان اعراب عصر جاهلی رسمی‌ترین شکل ازدواج، زواج البعوله بود. برای اطلاع از سایر انواع ازدواج‌ها نک: احمدبن حنبل (۱۴۰۴ق)، *المسند*، تحقیق احمدمحمدشاکر، ج ۶، مصر: دارالمعارف، ص ۳۱۵؛ سلیمان‌بن‌اشعث‌سجستانی‌ابوداود، [بی‌تا]، سنن، تحقیق احمدمحمدشاکر، ج ۲، بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ص ۴۸۷؛ احمدبن‌شعب‌نسائی (۱۴۰۸ق)، سنن با شرح سیوطی و حاشیه سندی، ج ۶، بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ص ۵۱۳؛ محمود شکرالاکوسی‌البغدادی [بی‌تا]، *بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب*، ج ۲، بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ص ۴؛ هم‌چنین مهریه‌ای که برای زنان در نظر گرفته می‌شد، متعلق به پدر دختر بود. جواد علی، همان، ج ۵، ص ۵۲۱.

مسئله حق تقدم، جلوه مهم مردسالاری در امر ازدواج بود.^۱ زن در خانواده وظایفی بر عهده داشت که این وظایف تا حدودی به موقعیت اجتماعی و نوع معیشت آنان بستگی داشت.^۲ مردان به کم‌ترین بهانه‌ای زنان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند.^۳ نیز نزد اعراب برای زنان ارثی نبود.^۴ در کنار ازدواج، طلاق نیز شناخته شده بود. طلاق در جاهلیت بسیار آسان بود، به طوری که اگر مرد به زن، سوء ظن و گمان پیدا می‌کرد، چندان طول نمی‌کشید که وی را طلاق می‌داد و برای آن که کسی دیگر با وی ازدواج نکند باز دوباره رجوع می‌کرد و دوباره طلاق می‌داد.^۵ زنان عاقر (نازا) به راحتی طلاق داده می‌شدند.^۶ طلاق به عنوان ابزاری، غالباً توسط مردان و به صورت یک طرفه مورد استفاده قرار می‌گرفت.

زن در قرآن و سیره

با ظهور اسلام، شرایط متفاوتی برای زن در تمامی ابعاد به وجود آمد. قرآن مبدأ پیدایش همه انسان‌ها را یکی دانسته است.^۷ پیامد چنین بینشی

- ۱ براساس این سنت، برای ازدواج، هیچ‌کس مقدم‌تر از پسر عمو نبود. تنها پسر عمو می‌توانست در مورد ازدواج دختر با مردی دیگر مجوز صادر کند و چنان‌چه چنین اجازه‌ای صادر نمی‌شد و دختر نیز به ازدواج با پسر عمو رضایت نمی‌داد، تا پایان عمر حق ازدواج نداشت. جواد علی، همان، ج ۵، صص ۶۳۸-۶۳۹؛ الحاج حسن، همان، صص ۱۴۰-۱۴۲.
- ۲ برای اطلاع بیشتر نک: گوستاو لوبون (۱۳۶۸)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هادی خاتمی، تهران: کتابخانه صدر، ص ۴۲۳.
- ۳ ابن اثیر (۱۳۸۳ق)، *النهاية في غريب الحديث*، تحقیق طاهر احمد الزاوی، ج ۷، مصر: دار إحياء الكتب العربية، ص ۳۸۳.
- ۴ محمدزهر مشارقه (۱۹۸۸م)، *الحياة الاجتماعية عند البر في الوطن العربي*، دمشق: دار طلاس للدراسات و الترجمة و النشر، ص ۱۴۴؛ الحاج حسن، همان، ص ۱۴۵.
- ۵ آلوسی، همان، ج ۲، ص ۵۵؛ در برخی قبایل، طلاق کفایی یا مخفی وجود داشت. ابن حنبل، همان، ج ۴، ص ۶؛ نوع دیگری از طلاق وجود داشت که مرد با گفتن جمله «أنتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي» زن وی از او جدا می‌شد (طلاق ظهار)، علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی [بی تا]، *اللائحة*، به کوشش عبدالکریم ابراهیم العرابوی، ج ۹، بیروت: مؤسسه جمال للطباعة و النشر، ص ۶۵.
- ۶ جوادعلی، همان، ج ۴، ص ۶۳۵؛ خیرالدین الزرکلی (۱۹۸۶م)، *الاعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء*، ج ۵، بیروت: دارالعلم الملايين، ص ۷۱.
- ۷ سوره بقره، آیه ۳۰؛ ۳۱؛ ۳۶ و ۳۷؛ سوره حجر، آیه ۲۸ و ۲۹؛ سوره طه، آیه ۱۱۵، ۱۲۱؛ سوره اعراف، آیه ۲۳.

این است که قرآن زن و مرد را در توانایی برای کسب ارزش‌های انسانی^۱ برابر می‌بیند. با چنین نگرشی به خلقت زن و جایگاه او در هستی؛ در بعد خانواده نیز اسلام هویتی مشترک با مرد برای زن قائل شده است. با تبیین دیدگاه دین در مورد ازدواج و تشکیل خانواده، می‌توان جایگاه زن در خانواده را دریافت.

برخلاف نظر طرفداران دیدگاه تک‌گرایانه، به نظر می‌رسد که ازدواج و نکاح در شریعت اسلامی اهداف مختلفی را دنبال می‌کند.^۲ تلقی اسلام از ازدواج عبارت است: بقای نسل انسان؛^۳ سکونت و آرامش؛^۴ مشارکت در حیات معنوی^۵ و تربیت نسل.^۶ از آن جا که غریزه جنسی یکی از غرایز اصلی انسان است، از نظر اسلام تنها راه ارضای آن محیط خانواده است. لذا یکی از اهداف ازدواج، برآورده کردن این نیاز آدمی است.^۷ حال باید دید که زن در خانواده چه جایگاهی دارد. باید توجه داشت که زن و مرد در خانواده دارای دو عنوان هستند: یکی در مقام همسر و دیگری در مقام مادر و پدر که هر دو باید مورد توجه قرار گیرد. البته در این مورد نیز

۱ ارزش‌های انسانی چون ایمان و عمل صالح: سوره نحل، آیه ۹۷؛ علم: سوره مجادله، آیه ۱۱؛ تقوا: سوره حجرات، آیه ۱۳؛ سبقت در ایمان: سوره واقعه، آیه ۱۰-۱۱؛ جهاد: سوره نساء، آیه ۹۵؛ هجرت، سوره آل عمران، آیه ۱۹۵.

۲ برای نمونه نک: نظیر برتراند آرتور ویلیام راسل [بی تا]، *زنانشوئی و اخلاق*، ترجمه ابراهیم یونس، تهران: نشر اندیشه، ص ۳۱؛ نیز از علمای مسلمان، محمدبن محمدغزالی (۱۳۷۷)، *احیاء علوم الدین*، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، ج ۳، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۵۸.

۳ سوره بقره، آیه ۲۲۳.

۴ سوره اعراف، آیه ۱۸۹.

۵ سوره بقره، آیه ۲۲۲.

۶ سوره تحریم، آیه ۶.

۷ از فصوی آیه ۲۱ سوره روم می‌توان این هدف را دریافت. هم‌چنین قوانین و مقررات ازدواج، آداب و اخلاق خانواده، رعایت عفت و حیا، رسیدگی به فرزندان، پرهیز از فحشا و منکرات، رعایت حقوق همسر، عده و ارث، همه گواه بر این بینش و تلقی می‌باشند. درباره برخی از مباحث مربوط به ازدواج که گواه دیگری بر تلقی و بینش قرآن از ازدواج می‌باشد. نک: آیات فرمان الهی از ازدواج دختران و پسران (سوره نور، آیه ۳۲)؛ ازدواج‌های حلال: دائم و موقت (سوره نساء، آیه ۲۸)؛ ۳. حکم پرداخت مهریه (سوره نساء، آیه ۴، ۲۱، ۲۴؛ سوره بقره، آیه ۲۳۷)؛ ۴. تکلیف مهریه زن مطلقه (سوره نساء، آیه ۲۰)؛ ۵. عدالت شرط تعدد همسر (سوره نساء، آیه ۳، ۱۲۹)؛ ۶. ازدواج زن بعد از مرگ شوهر (سوره بقره، آیه ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۰).

تلقی‌های نادرست و باورهای غلط فراوان دیده می‌شود.^۱ اما قرآن خط بطلان بر این باورهای نادرست می‌کشد و برای زن و مرد نقشی برابر قائل می‌شود.^۲ پیامد چنین نگرشی به زن در خانواده آن است که زن از هویتی مستقل و برابر برخوردار می‌شود. زن نیز همانند مرد حق انتخاب در ازدواج دارد.^۳ در واقع خانواده، محیطی است که زن بخشی از رشد و تعالی زندگی خود را در آن طی می‌کند.

هم‌چنین آیات در زمینه طلاق نیز تأییدی بر بینش قرآن در باب جایگاه زن در خانواده می‌باشد. شایان توجه است که به دلیل قداست خانواده، طلاق امری مذموم و ناپسند به شمار می‌آید. لذا قرآن، زن و مرد را به سازش و رفع اختلاف توصیه می‌کند. قرآن تلاش دارد تا با قوانین مربوط به طلاق، مانع از تضییع حقوق زنان شود.^۴ با تغییر بینش نسبت به زن در گفتمان قرآن و هم‌سویی سیره پیامبر(ص)^۵

۱ برای نمونه نک: نظر غزالی در این زمینه؛ وی می‌گوید: به زن نیازمند همان‌گونه که به غذا نیاز دارم، پس زن غذاست و سبب پاکی دل است. ازدواج سبب می‌شود دل از اداره منزل و مشغول شدن به پخت و پزرها شود و برای اندوختن علم و عمل آسوده باشد و زن صالح عهده‌دار این کارها است. غزالی(۱۳۷۷)، همان، ج ۳، صص ۶۵، ۶۹.

۲ سوره اعراف، آیه ۱۹؛ و ای آدم تو با جفت خویش در آن باغ سکونت‌گیر و از هرجا خواهید بخورید. موارد دیگر در این زمینه نک: سوره بقره، آیه ۳۵؛ هنگام هبوط، زن و شوهر هر دو مورد خطاب قرار می‌گیرند. سوره طه، آیه ۱۲۳.

۳ هم‌چنین زن به عنوان مادر نیز رکنی از خانواده است همانند پدر. خداوند دستوری جامع درباره پدر و مادر صادر کرده است. نک: سوره اسراء، آیه ۲۳-۲۴؛ سوره لقمان، آیه ۱۴؛ سوره بقره، آیه ۳۳.

۴ از جمله قوانین مربوط به «عده» و «رجوع» و طلاق خلع، سوره بقره، آیه ۲۲۹؛ سوره طلاق، آیه ۲؛ نیز نک: محمدبیستونی(۱۳۸۸)، تفسیر زنان، ج ۱، مشهد: آستان قدس، ص ۷۴؛ التزام مرد به رعایت شرایط طلاق، طلاق، آیه ۱؛ عدم ممانعت از ازدواج زن بعد از پایان عده، بقره، آیه ۲۲۸، ۲۲۹؛ باطل دانستن طلاق ظهار، مجادله، آیه ۲ نیز نک: موضع‌گیری در باب طلاق «یلاء» سوره بقره، آیه ۲۲۶؛ و التزام به رعایت حقوق زنان مطلقه، سوره طلاق، آیه ۶؛ هم‌چنین در باب هدیه برای زنان مطلقه نک: سوره بقره، آیه ۲۴۱؛ سوره احزاب، آیه ۴۹؛ برای اطلاع بیشتر از بینش اسلام در باب زن و خانواده نک: مهدی مهریزی(۱۳۸۱)، زن در اندیشه اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۵۲-۷۰.

۵ درباره اهمیت سیره پیامبر و ضرورت توجه مسلمانان به آن باید توجه داشت که خداوند در قرآن، سنت پیامبر(ص) را بهترین الگوی عملی برای مؤمنان معرفی کرده است. سوره احزاب، آیه ۲۱؛ سوره نساء، آیه ۸۰؛ سوره اسراء، آیه ۹؛ سوره نجم، آیه ۳-۴؛ برای اطلاع بیشتر نک: داود معماری(۱۳۸۴)، مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشه‌وران شیعه، قم: بوستان کتاب، ص ۲۳.

با آن، بدیهی است که زن از موقعیت بهتری در خانواده در عصر نبوی برخوردار می‌شد. در خانواده، زن و مرد نسبت به یکدیگر حقوقی دارند. حقوق زن عبارت است از نفقه و حُسن رفتار.^۱ رسول خدا(ص) می‌فرماید: بهترین شما مردان، بهترین‌تان برای خانواده‌اش است، و من بهترین شما برای خانواده‌ام هستم.^۲ با توجه به تغییر وضعیت زن در خانواده براساس بینش اسلام، در امر ازدواج نیز تأکید بر اهمیت ذاتی آن بیش از پیش موضوعیت می‌یابد. نکته مهم در اسلام برای تغییر رویکرد به ازدواج، ارتباط دادن امر ازدواج و امر ایمان است.^۳

بدین ترتیب امر ازدواج، از وسیله‌ای برای تلذذ و بهره‌وری جنسی مردان و یا عاملی برای ارتقای موقعیت قبیله‌ای و اجتماعی (در نگاه جاهلی) به وسیله‌ای برای تقرب به خدا و کسب مقامات ایمانی ارتقا می‌یابد.^۴ اشاره شد، در بینش قرآن، طلاق امری مذموم به شمار می‌آید. در سیره پیامبر(ص)

۱ رسول خدا(ص) می‌فرماید: بر عهده شماسست، روزی آنان و لباس‌شان در اندازه متعارف. ابوداود، همان، ج ۱، ص ۵۳۴؛ آن کس که دارای گشایش و مال است، باید از توان گسترده خود هزینه کند و هرکس روزی‌اش بر او تنگ است، از آن چه که خداوند به او داده، نفقه دهد. سوره طلاق، آیه ۷؛ در باب حُسن رفتار نیز، خداوند، مردان را به رفتار نیکو و پسندیده و عدم سخت‌گیری و ضرر رساندن به زنان فرا خوانده است. سوره نساء، آیه ۱۹؛ سوره طلاق، آیه ۶.

۲ محمد بن علی بن حسین بابویه قمی صدوق (۱۳۶۷)، من لایحضره الفقیه، ترجمه محمد جواد غفاری، ج ۵، تهران: نشر صدوق، ص ۹۲؛ نمونه دیگر ترک کنجاوی نسبت به زن؛ احمد بن علی بن حجر عسقلانی [بی‌تا]، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۳، بیروت: دارالمعرفه، ص ۷۲۵؛ هم‌چنین پیامبر(ص)، ضرب و جرح زنان را امری ناشایست می‌دانست و مردان را از آن منع می‌نمود. عبدالرزاق بن همام صنعانی (۱۳۹۲ق)، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، ج ۹، بیروت: [بی‌تا]، ص ۴۴۳.

۳ سوره نساء، آیه ۲۵.

۴ برای اطلاع بیش‌تر نک: غلامرضا جمشیدی‌ها، قاسم زائری (۱۳۸۷)، «سیاست‌گذاری فرهنگی پیامبر اسلام(ص) و تأثیر آن بر موقعیت فرهنگی - اجتماعی زنان در زیست جهان جاهلی»، پژوهش زنان، ش ۴، صص ۲۴-۲۶؛ براساس همین تحول در نگرش به امر ازدواج، پیامبر(ص) به مسلمانان توصیه می‌کنند که ملاک و معیار برای ازدواج، دینداری زن باشد. برای نمونه نک: شیخ صدوق (۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۲۴؛ هم‌چنین در اسلام، برخلاف آن چه در جاهلیت رایج و حاکم بود، حرف‌نهایی در گزینش شوهر را زن می‌زند. مالک بن انس (۱۴۰۶ق)، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۵۳۵؛ ابن حجر عسقلانی [بی‌تا]، همان، ج ۹، ص ۱۹۶.

نیز، طلاق امری ناشایست می‌باشد.^۱ مقوله طلاق از جمله اموری است که اسلام میان زن و مرد فرق گذاشته، زیرا آن را در دست مرد قرار داده است.^۲ در مجموع، با توجه به قداست خانواده، قرآن زن و مرد را به سازش و رفع اختلاف فرامی‌خواند و زمینه را برای بازگشت مجدد آن‌ها فراهم می‌کند.^۳

شاخص‌های نگاه منفی به جایگاه زن در خانواده در فرهنگ یهود

در فرهنگ یهودی، دیدگاه غالب به زن آن است که خداوند زن را از دندهٔ مرد خلق کرده است.^۴ این تلقی، بیان‌گر آفرینش غیرمستقل زن است. پیامد چنین بینشی آن است که زن واسطهٔ گناه اولیه است. او از ازل محکوم شده است که نقش دوم باشد.^۵ این امر زمینه را برای برداشت‌های زن ستیزانه و نگاه تحقیرآمیز به زن فراهم کرد. چنین نگرشی به خلقت زن

۱ پیامبر(ص) می‌فرماید: مبعوض‌ترین حلال پیش خدای عز و جل، طلاق است. ابوداود، همان، ج ۳، ص ۴۳۸؛ مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (۱۹۷۲م)، صحیح، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۲۸۰.

۲ مگر این که زن در عقد ازدواج شرط کند، بقای ازدواج به دست او باشد، یا هرگاه خواست برای دست‌یابی به طلاق سراغ قاضی برود. برای اطلاع بیش‌تر نک: احمدزکی یمانی (۱۳۸۵)، *اسلام و زن*، ترجمهٔ سید ضیاء مرتضوی، قم: انتشارات میثم تمار، ص ۱۳۱.

۳ سوره طلاق، آیه ۲؛ نیز نک: سوره بقره، آیه ۲۲۸ و ۲۲۹؛ محمدبن یزید بن ماجه (۱۴۰۷ق)، سنن، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۵۱۴، ۵۱۹؛ هم‌چنین محدودیت‌هایی به واسطهٔ عارضهٔ جسمی خاص زنان بر اساس روایات استنباط می‌شود. این در حالی است که اسلام در مسئلهٔ حیض زنان، راه وسط را اتخاذ کرده بود. راهی میانه در بین شدت عملی که یهود اتخاذ کرده بود و اهمالی که مسیحیان پیش گرفته بودند (سوره بقره، آیه ۲۲). تصور می‌شد که در جامعهٔ اسلامی مسئلهٔ مورد توجه در این زمینه، صرفاً رعایت دستور الهی مبنی بر کناره‌گیری از آمیزش با زنان در این ایام باشد. اما آن‌چه که در روایات انعکاس یافته، ایجاد محدودیت برای زن در برخی از مسائل ناشی از این صفت خاص زنان است. به نظر می‌رسد شدت عمل یهود با زنان به ویژه در زمینهٔ انجام فرائض دینی و یا حضور در اماکن مقدس و یا فراهم کردن مقدمات برخی آیین‌های دینی در این ایام (کتاب دوم تواریخ، ۱۱:۸) بر عملکرد مسلمانان نیز تأثیر گذاشته است. (محمدبن اسماعیل بخاری (۱۴۰۷ق)، صحیح، بیروت: دارالقلم، ج ۲، ص ۲۵؛ شیخ صدوق (۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۱۳۱؛ عبدالرحمن بن علی بن جوزی (۱۴۲۳ق)، *احکام النساء*، تحقیق علی بن محمد یوسف، بیروت: المكتبة العریة، ص ۱۲۰.

۴ کتاب مقدس (کتاب عهد عتیق و عهد جدید)، (۱۰۹۴م)، ترجمه از عبرانی و کلدانی و یونانی، به همت انجمن پخش کتب مقدسه، تورات، سفر پیدایش: ۷:۳.

۵ تورات، امثال: ۲۴:۶-۳۵.

در ابعاد مختلف از جمله بر جایگاه زن در خانواده تأثیرات منفی برجای گذاشت. در زندگی خانوادگی یهودی، مردان حاکم بر زنان هستند. براساس داستان خلقت، زن به طور ازلی محکوم شده است که در خانواده ریاست مرد را بپذیرد.^۱ فرمان یهوه به زن شوهردار چنین بود: «چشم‌ت باید به شوهرت باشد و او بر تو حکومت خواهد کرد».^۲ تسلط و ریاست مرد در احکام هم باز تولید شده است. کتاب مقدس می‌گوید: هرگاه دختری که هنوز در خانه پدرش زندگی می‌کند و یا زنی که ازدواج کرده است برای خداوند، نذر کند یا تعهدی نماید، باید هر چه را قول داده است، ادا نماید؛ مگر این که وقتی پدرش یا همسرش آن را بشنود او را منع کند. در این صورت، نذر دختری یا زن خود به خود باطل می‌شود و خداوند هم او را می‌بخشد. زیرا پدرش و یا همسرش به او اجازه نداده است به آن عمل کند. ولی اگر، پدرش و یا همسرش در روزی که از نذر یا تعهد دخترش یا زنیش آگاه می‌شود سکوت کند، او ملزم به ادای قول خویش می‌باشد.^۳ این امر تسلط و ریاست مردان را بر خانواده نشان می‌دهد. در کانون خانواده، وظیفه اصلی زن به دنیا آوردن فرزند و بزرگ کردن اوست.^۴ بر این اساس زنی که بچه‌دار نشود مستحق سرزنش است.^۵

ازدواج و تشکیل خانواده یک فریضه دینی خطیر به شمار می‌آید. این نخستین فرمانی بود که خداوند به آدم ابوالبشر داد و تلمود به آن اهمیت بسیار می‌دهد و درباره اجرای آن تأکید فراوان می‌کند.^۶ با وجود آن که

۱ توراته استر، ۱: ۱۱-۲۱.

۲ توراته امثال: ۳۱: ۱۰-۲۹.

۳ توراته سفر اعداد، ۳۰: ۵؛ همان، آیات ۶-۹؛ نیز نک:

Do.L(1978-1982), *Woman Encyclopedia judaica*, V.16, Jerusalem Keter, p.p 625-626 .

۴ توراته سفر پیدایش، ۱۶: ۳.

۵ توراته روت، ۲: ۹.

۶ توراته سفر پیدایش، ۱: ۲۸؛ نیز نک:

S.Halperin(1978-1982), *Marriage, Encyclopedia judaica*, V.11, Jerusalem Keter, p.1032.

۷ توراته سفر لاویان، ۲۹: ۱۹؛

Talmud, Qiddushin, 41a ; Talmud, Yevamoth, 62b;

اجازة دختر برای ازدواج لحاظ شده است اما در عمل هر دختری تنها می‌تواند از میان مردان قبیله خود، فردی را برای ازدواج انتخاب کند.^۱ به زن و شوهر توصیه شده است که یکدیگر را شریک زندگانی خود بدانند. توصیه شده که مرد با همسرش درباره کارهای خود مشورت کند.^۲ البته در این مورد، نظر مخالفی نیز اظهار شده است: هرکس که از مشورت زوجه خود پیروی کند و آن را به کار بندد، به جهنم می‌افتد.^۳ در عباراتی قصار آمده است: مردی که زن ناسازگار داشته باشد، هرگز روی جهنم را نخواهد دید.^۴ نیز گفته شده است: مردی که همسرش بد است، وظیفه دینی اوست که وی را طلاق دهد.^۵ هم‌چنین در باب طلاق در کتاب مقدس آمده است: اگر مردی پس از ازدواج با زنی به عللی از او راضی نباشد، طلاق‌نامه بنویسد و به دستش دهد و او را رها سازد.^۶ در تفسیر این آیه در سده نخست میلادی، پیروان مکتب‌های «شمای» و «هیلل» نظرهای مخالف یکدیگر ارائه کرده‌اند. اصطلاح «چیزی ناشایسته» توسط پیروان مکتب شمای چنین تعبیر شده است: انسان نباید زن خود را طلاق دهد مگر آن‌که در وی نشانه‌ای از بی‌ناموسی بیابد. پیروان مکتب هیلل از طرف دیگر این اصطلاح را به معنی «چیزی ناپسند» تعبیر کرده و اظهار داشته‌اند:

تلمود درباره انتخاب زوجه، اندر زهای حکیمانه می‌دهد از جمله گفته شده: «یک درجه پایین بیا و آن وقت زن بگیر.» یعنی، مقام همسرت از مقام خودت پایین‌تر باشد. زیرا، ازدواج با زنی که مقام اجتماعی بالاتر دارد، باعث تحقیر شوهر نزد زن و بستگان او خواهد شد. تورات، روت، ۹:۳؛

Talmud, Sanhedrin, 76a & b Ibid, Yevamoth 63a, Ibid, Pesahim 49a.

۱ تورات، اعداد، ۳۶:۶. نیز نک:

p.1032, V11, S.Halperin.

2 Bava Metyiaa 59a Talmud.

۳ تورات، کتاب اول پادشاهان، ۲۱:۵-۱۵

4 *Talmud, Shabbat, 33b; Ibid, Niddah 45b; Ibid, Megillah 14.*

5 *Ibid, Yevamoth, 63b;*

نیز بر این باور بودند که همه زنان به طور کامل خوب نیستند

Talmud, Erubin, 41b Ibid, Beitzah, 32b.

۶ تورات، تثنیه، ۲۴:۱۰؛ نیز نک:

Sheluhei yaari (1978-1982), *Divorce, Encyclopedia judaica* V6, Jerusalem Keter, p.125.

مرد می‌تواند حتی برای این که زوجه‌اش، غذای او را سوزانیده است، وی را طلاق گوید. این تفسیر و نظر، مورد قبول اکثریت قرار گرفت.^۱ طلاق یک عمل یک‌طرفه بوده است. زنان برای اعتراض نسبت به قانون طلاق یا حدود و شرایط آن، امکانی در اختیار نداشته‌اند. از آن جا که طلاق با توافق یا بدون توافق زن امکان پذیر بود،^۲ در نتیجه مرد عملاً زن خود را مطلقه می‌کند؛ و زن نمی‌تواند شوهر خود را طلاق دهد. چنین روشی سبب ناتوانی زن و اجحاف نسبت به او می‌شود.

بازتاب باورهای یهود بر موقعیت زن در خانواده

رحلت پیامبر(ص) تغییراتی در گفتمان اسلام به دنبال داشته است. علاوه بر بی‌توجهی جامعه به توصیه‌های پیامبر(ص) در امر حکومت؛ سیاست خلفا در قبال زنان نیز از جمله اموری بود که با گفتمان قرآن و گفتمان نبوی(ص) در تعارض بود. اتخاذ سیاست منع نقل و نگارش حدیث در این دوره، بستری برای نفوذ عناصری از باورهای یهودی به فرهنگ اسلامی فراهم کرد. رواج باورهای یهودی در باب خلقت زن و معرفی زن به منزله عنصر گناه اولیه در جامعه اسلامی از سوی احبار نومسلمان، زمینه را برای بازتولید عناصر فرهنگ جاهلی از سوی عرب‌های مسلمان فراهم کرد. علاوه بر این روایان وابسته به حکومت، مفاهیم جدیدی را از باورهای یهودی (اسرائیلیات)^۳ در باب جایگاه زن در خانواده وارد فرهنگ اسلامی کردند. در دوره خلفای اموی، روایان اسرائیلیات ارتباط بسیار نزدیکی با

۱ نک: آبراهام کوهن(۱۲۸۲)، *گنجینه ای از تلمود*، ترجمه انگلیسی امیر فریدون گرگانی، تهران: انتشارات اساطیر، ص ۱۸۶.

2 *Talmud, Yevamoth 14.*

۳ محمود ابوریثه، *اضواء علی السنه المحمديه* [بی تا]، بیروت: مؤسسه منشورات الاعلمی، للمطبوعات، ص ۱۵۰؛ عوامل متعددی در پیدایش و گسترش اسرائیلیات نقش داشتند؛ اما میدان دادن خلفا به ویژه خلیفه دوم و معاویه به نومسلمانان یهودی و نصارا از عوامل مهم رواج اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی است. نیز نک:

Bernard Lewis(1984), *The Jews of Islam*, Princeton: p.70 .

حکومت اموی شام داشتند.^۱ این روند ادامه داشت تا این که در نیمه دوم سده سوم و اوایل سده چهارم، هم‌زمان با روی آوردن علمای مسلمان به تدوین و پدید آوردن نخستین آثار حدیثی مدون، برخی از روایت‌های جعلی متأثر از اسرائیلیات در زمینه‌های مختلف از جمله موضوع پژوهش حاضر، در کنار احادیث صحیح به این آثار راه یافت. سیاست خلیفه دوم توسط خلفای اموی دنبال شد و با قوت بیشتری تا پایان حکومت عباسیان استمرار یافت. علاوه بر نفوذ اسرائیلیات به جوامع حدیثی اهل سنت، به عللی جوامع حدیثی شیعه نیز از نفوذ اسرائیلیات مصون نماند.^۲

نخستین نکته‌ای که در نگاه به موقعیت زن در جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر (ص) جلب توجه می‌کرد، این بود که بینش جامعه در موضوع خلقت، بر اساس نص صریح قرآن، خلقت زن و مرد را از اصلی واحد می‌دانست، اما عرف متداول جامعه این بود که خداوند زن را از دنده چپ مرد آفریده است.^۳ در نتیجه این نگرش، زن طفیلی مرد محسوب می‌شود و گمان می‌رود که خداوند زن را برای مرد آفریده است. خلیفه دوم در مقام جانشین رسول خدا (ص) و خلیفه مسلمین، درباره زنان می‌گفت: «مشورت کنید با زنان و مخالفت نمایید آنان را».^۴ با توجه به خواست حاکمیت جامعه اسلامی برای به حاشیه راندن گفتمان اسلام درباره زن بعد

۱ نک: مهدی پیشوایی (۱۳۶۷)، «راه‌های نفوذ اسرائیلیات در تاریخ اسلام»، پیام حوزه، ش ۱۳؛ اشاره به این مطلب ضروری است که میان دین اسلام و دین یهود به دلیل برخورداری از ماهیت توحیدی اشتراکاتی وجود دارد. سوره احقاف، آیه ۹؛ ادعای تأثیرپذیری پیامبر (ص) و قرآن از ادیان دیگر از نظر محققان مسلمان موضوعی جدی نبوده است؛ زیرا از نظر مسلمانان، قرآن، کلام الهی است که از هرگونه جعل و تحریف دور مانده است. اما، موضوع تأثیر دین یهود در اسلام از منظر سنت اسلامی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. (Lewis, p70) شباهتی که میان باورهای یهودی و احادیث اسلامی به چشم می‌خورد شباهت در حوزه دین نیست؛ بلکه شباهت در حوزه فرهنگ اسلامی یا فرهنگ یهودی است. در پژوهش حاضر این شباهت در موضوع جایگاه زن در خانواده مورد توجه قرار گرفته است.

۲ در بحث از اصالت حدیث شیعه توجه به دو عنصر اهمیت دارد. نخست، عنصر تقیه و نقش آن در حدیث شیعه و دیگری تأثیر فرقه‌های انحرافی بر افکار و عقاید شیعیان. پیروان این فرقه‌ها، از تفسیر به رأی یا جعل و تحریف حدیث ابایی نداشتند. برای اطلاع بیشتر نک: مجید معارف (۱۳۷۴)، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، صص ۲۸۸-۲۹۸.

۳ مسلم، همان، ج ۳، ص ۲۶۷.

۴ غزالی (۱۳۷۷)، همان، ج ۲، ص ۹۳.

از رحلت پیامبر(ص) نمی‌توان انتظار داشت که رویکرد جامعه به جایگاه زن در خانواده، منطبق بر معیارهای گفتمان قرآن و گفتمان نبوی باشد. بررسی روایت‌ها و احادیث در متون اسلامی نشان می‌دهد که در محیط خانه، زن مطیع و تحت سلطه شوهر می‌باشد. برخلاف گفتمان اسلام که باید بین زن و مرد در محیط خانواده، تعامل و احترام متقابل باشد. با توسل به احادیث منسوب به پیامبر(ص)، این گونه به جامعه القاء کردند که مردان، حاکم بر زنان هستند. محکوم بودن زن به پذیرفتن سلطه و ریاست مرد بر خانواده، محدودیت دیگری برای او به دنبال داشت و آن، این که بدون کسب اجازه و رضایت مرد، قادر به خروج از خانه نبود. با توسل به عناصری از فرهنگ یهود که معتقد به عدم خروج زن از خانه بودند،^۱ احادیثی را وارد فرهنگ اسلامی کردند که براساس آن‌ها، ماندن زن در خانه فضیلت محسوب می‌شد و خروج زن از خانه بدون کسب اجازه از مرد، غضب الهی را به همراه داشت.^۲ عایشه همسر پیامبر(ص)، بر این باور بود که اگر پیامبر(ص) وضعیت زنان هم عصر وی را می‌دید از خروج آن‌ها ممانعت می‌کرد. همان‌طور که بنی‌اسرائیل، زنانشان را از خروج از خانه منع کردند.^۳ بر این باور بودند که حتی المقدور باید مانع از خروج زن از خانه شد. اگر ضرورتی پیش آمد، زن تنها با اجازه همسر از خانه خارج می‌شود، آن هم نه به شکلی آراسته و زینت یافته؛ بلکه با لباس

1 Shabbat, 33 b, Talmud.

۲ بخاری، همان، ج ۳، ص ۲۶۰؛ ابن‌حنبل، همان، ج ۲، ص ۲۲۳؛ ابن‌ماجه، همان، ج ۱، ص ۵۶۰؛ الحاکم النیشابوری [بی‌تا]، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ریاض: مکتبه النصر الحدیثیه، ص ۱۹۰؛ احمدین الحسین البیهقی (۱۳۴۴ق)، السنن الکبری، ج ۷، هند - حیدرآباد: دائرة المعارف النظامیه، ص ۲۹۳؛ علی بن ابی‌بکر الهیثمی (۱۳۵۲ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۴، قاهره: مکتبه القدسی، صص ۳۱۲ و ۳۱۴، ج ۹، ص ۲۰۲؛ شیخ صدوق (۱۲۶۷)، همان، ج ۵، صص ۸۴ و ۹۰، ج ۶، ص ۲۹۲؛ محمد بن علی بن حسین بابویه قمی صدوق (۱۳۷۴)، خصال، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج ۲، تهران: انتشارات کتابچی، ص ۲۸۷؛ ابن حجر الهیثمی، الإفصاح عن أحداث النکاح، (۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م)، تحقیق محمد شکور میادینی، عمان: دارعمان، ص ۱۷۹؛ علی بن ابی‌بکر الهیثمی (۱۳۹۹ق)، کشف الأستار عن زوائد البزار، تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی، ج ۲، بیروت: مؤسسه الرساله، ص ۱۵۰؛ ترمذی، همان، ج ۴، ص ۱۵۳؛ عبدالعظیم بن عبدالقوی المنذری (۱۹۶۸م)، الترغیب والترهیب، تحقیق مصطفی محمد عمارة، ج ۱۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۱۸۹.

۳ مسلم، همان، ج ۱، ص ۳۲۹؛ مالک بن انس، همان، ج ۱، ص ۱۹۸؛ ابن حجر عسقلانی [بی‌تا]، همان، ج ۲، ص ۳۴۹.

مندرس و ظاهری ناآراسته و نباید کسی صدای او را بشنود.^۱ اطاعت از شوهر واجب و در برخی احادیث، پاداش آن در ردیف ثواب اقامه نماز، روزه و . . قرار گرفته است. در حدیثی منسوب به پیامبر(ص) آمده است: هر زنی که همسرش را با زبانش آزار دهد، خداوند از او هیچ سخنی را نمی پذیرد؛ نه توبه و نه کفاره و نه عملی نیکو را تا آن که شوهر را راضی کند و اگرچه روزها را روزه بگیرد و شبها را به عبادت قیام نماید و بندگان را آزاد سازد و در راه خدا جهاد کند، باز هم در میان اول کسانی است که به آتش جهنم وارد می شود.^۲ گفته شده است: نماز سه گروه، نزد خدا پذیرفته نیست: از جمله زنی که شوهرش از او خشمگین باشد.^۳ هم چنین نقل شده که جماعتی نزد رسول خدا(ص) آمده، عرض کردند: ما مردمی را دیده ایم که پاره ای بر پاره دیگر سجده می کنند. رسول خدا(ص) فرمودند: اگر به فرض محال من امرکننده بودم که کسی به دیگری سجده کند، هر آینه امر می کردم که زن به شوهر خود سجده کند.^۴ در مقابل تأکید فراوان بر اطاعت زن از مرد؛ مردان به شدت از اطاعت از همسران خود و عمل کردن بر طبق رأی و نظر آنان منع شده اند.

حدیث «فی طاعة النساء ندامة»^۵ به مردان هشدار می دهد که مطیع امر زن بودن، ندامت و پشیمانی به دنبال دارد. پیامد محکوم بودن زن به پذیرفتن سلطه و ریاست مردان در خانه آن بود که زن تا هنگامی که در

۱ ابن حجر عسقلانی [بی تا]، ج ۱۱، ص ۳۳؛ نیز نک: ابن جوزی، همان، ص ۱۴۶.
 ۲ ترمذی، همان، ج ۴، ص ۱۳۳؛ ابن ماجه، همان، ج ۱، ص ۳۱۱؛ محمد بن علی بن حسین بابویه قمی صدوق (۱۳۶۷)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ص ۶۵۳؛ شیخ صدوق (۱۳۶۷)، ج ۵، ص ۳۲۱؛ محمد بن علی بن حسین بابویه قمی صدوق (۱۳۷۰)، *امالی*، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران: انتشارات کتابچی، ص ۴۲۹.

۳ مسلم، همان، ج ۲، ص ۱۰۶؛ ابن ماجه، همان، ج ۱، ص ۵۹۵؛ ترمذی، همان، ج ۲، ص ۵۶؛ بیهقی، همان، ج ۷، ص ۲۹۲؛ صدوق (۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۸۶؛ صدوق (۱۳۸۰)، همان، ج ۲، ص ۸۸۳.

۴ ابن حنبل، همان، ج ۲، ص ۳۴۱؛ صدوق (۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۸۵؛ ترمذی، همان، ج ۲، ص ۳۱۴؛ ابن جوزی، همان، ص ۲۰۸.

۵ اسماعیل بن محمد العجلونی (۱۳۵۱ق)، *کشف الخفاء و منزل الاتیاس*، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۳۷؛ نمونه دیگر نک: شیخ صدوق، (۱۳۷۴)، همان، ج ۲، ص ۷۳.

خانه پدر است، تحت سلطه پدر و بعد از ازدواج تحت سلطه همسر قرار دارد. براساس باور یهود، اگر زن تصمیم به انجام نذری گرفت، پدر و یا همسر حق دخالت در این کار را دارند و می‌توانند مانع از انجام نذر زن شوند.^۱

براساس روایت‌های اسلامی نیز، مرد می‌تواند مانع از انجام امور عبادی مستحبی توسط زن شود.^۲ نقل شده است: زن شوهردار در مال شخصی خویش بدون اذن شوهر، اختیار آزاد کردن بنده و دادن صدقه مستحب و تدبیر برده و بخشیدن مالی یا نذری را ندارد.^۳ همانند باور رایج در فرهنگ یهود که اگر مردی زن ناسازگار داشته باشد، هرگز روی جهنم را نخواهد دید.^۴ در فرهنگ اسلامی نیز چنین بینشی وجود داشت که تحمل مرد بر ناسازگاری همسرش، پاداش فراوانی برای او به دنبال خواهد داشت؛ البته چنین زن ناسازگاری مورد غضب خداوند خواهد بود.^۵ روایت شده: هر کس بر ناسازگاری و بدخوئی زوجه اش صبر کند و بردباری کشد و طلاقش ندهد، پروردگار متعال به هر شبانه روزی که با او به سر برده و شکیبائی نموده، پاداشی که به ایوب (ع) در مصیبت‌هایش داده است به او عطا فرماید؛ و آن زن بدخو را هر شبانه روزی به رمل‌ها و شن‌های متراکم بیابان‌ها گناه خواهد بود و اگر پیش از این که از بد سگالی و ناسازگاری

۱ توراته سفر اعداد، ۹:۳-۳۰.

۲ بخاری، همان، ج ۳، ص ۲۶۰؛ مسلم، همان، ج ۲، ص ۷۱۱؛ ابن حنبل، همان، ج ۳، ص ۲۴۵؛ ابوداود، همان، ج ۲، ص ۸۲۶؛ ابن ماجه، همان، ج ۱، ص ۵۶۰؛ شیخ صدوق (۱۳۷۴)، ج ۲، ص ۳۱۳؛ محمدبن علی بن حسین بابویه قمی صدوق (۱۳۷۳)، مواظظ، ترجمه عزیرالله عطاردی، تهران: عطارد، ص ۵۱؛ موارد دیگر نک: صنعانی (۱۳۹۲ق)، همان، ج ۴، ص ۱۴۹؛ ترمذی، همان، ج ۳، ص ۳۱؛ حاکم نیشابوری، همان، ج ۴، ص ۷۲؛ ابی بکره‌یثیمی (۱۳۵۲ق)، همان، ج ۴، صص ۳۰۸، ۳۱۱؛ المنذری، همان، ج ۲، ص ۶۱.

۳ شیخ صدوق (۱۳۶۷)، همان، ص ۸۵؛ ج ۶، ص ۲۹۲؛ شیخ صدوق (۱۳۷۴)، همان، ج ۲، ص ۲۸۷.

4 Shabbat, 33b, Talmud.

۵ شیخ صدوق (۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۳۲۴؛ ابن حنبل، همان، ج ۶، ص ۸۲؛ حاکم نیشابوری، همان، ج ۲، ص ۱۷۸؛ بیهقی، همان، ج ۷، ص ۲۳۵؛ محمدبن علی بن حسین بابویه قمی صدوق (۱۳۸۰)، *علل الشرایع و الاسلام*، ترجمه محمد جواد ذهنی، ج ۲، قم: مؤمنین، ص ۵۶۰؛ شیخ صدوق (۱۳۷۴)، همان، ج ۲، ص ۲۶۶؛ صنعانی، همان، ج ۴، ص ۱۴۹؛ بخاری، همان، ج ۱، ص ۲۵۰؛ ترمذی، همان، ج ۳، ص ۳۱؛ ابن ماجه، همان، ج ۲، ص ۷۷۰؛ ابوداود، همان، ج ۲، ص ۳۱۸؛ ابی بکره‌یثیمی (۱۳۵۲ق)، همان، ج ۴، ص ۳۰۸؛ المنذری، همان، ج ۲، ص ۶۱.

دست بردارد و با مرد همراهی کند و قبل از این که مرد از وی خشنود شود بمیرد، روز قیامت با منافقین محشور شود و جایگاه او در جهنم خواهد بود.^۱ در مقابل این روایت‌ها، این سؤال مطرح است که زنی که در مقابل ناسازگاری و آزار و اذیت شوهر صبر و شکیبایی کند، چه ثوابی نصیب او می‌شود؟ روایت‌هایی دال بر این مطلب در منابع دیده نمی‌شود.

در فرهنگ یهود، از آن‌جا که زن را موجودی طفیلی و خلقت او را دون خلقت مرد می‌دانند؛ لذا بر این باور بودند که زن همیشه مشتاق شوهرش خواهد بود. اشتیاق زن به مرد، پایانی نخواهد داشت. چنین باوری از فحوای برخی روایت‌ها و احادیث اسلامی نیز قابل استنباط است. روایت شده که نبی اکرم (ص) فرمودند: ... همان طوری که آب، خاک و زمین را زنده می‌کند؛ مردان نیز زنان را احیاء می‌نمایند. اگر مردان نبودند، زنان را خداوند نمی‌آفرید.^۲

اشاره شد که برخلاف بینش جاهلی که وظیفه اصلی زن در کانون خانواده و مهم‌ترین و در واقع اصلی‌ترین هدف ازدواج، تولید و تکثیر نسل بود، در گفتمان اسلام، مسئله تداوم نسل در کنار سایر اهداف ازدواج مورد توجه قرار گرفت. بدیهی است در این بینش، زن از موجودی صرفاً نقله، به موجودی هم‌شان و شریک مرد در زندگی تبدیل می‌شود. اما هم‌چنان که نگرش اسلام به زن، دچار تغییر و دگرگونی شد، جایگاه زن در خانواده نیز همانند عصر جاهلی بازتولید شد. در این میان، مهم‌ترین وظیفه زن به مانند نگاه جاهلی و هم‌سو با باورهای یهود، به دنیا آوردن فرزند و پرداختن به این امر معرفی شد. بدون آن که بخواهیم، نقش زنان را در امر بقای نسل، نقشی کم‌اهمیت تلقی کنیم؛ به نظر می‌رسد، محدود کردن وظیفه زنان در کانون خانواده به این امر، و پاس‌داشتن زنان و وعده پاداش عظیم به

۱ شیخ صدوق، (۱۳۶۷)، همان، ص ۶۶۵.

۲ شیخ صدوق (۱۳۸۰)، همان، ج ۲، ص ۶۳۷؛ شیخ صدوق (۱۳۷۰)، همان، ص ۱۹۳؛ ابن‌ماجه، همان، ج ۲، ص ۵۰۷؛ ابن‌جوزی، همان، ص ۲۰۶؛ شیخ صدوق، (۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۲۸۰؛ شیخ صدوق (۱۳۸۰)، همان، ج ۲، ص ۸۸۳؛ شیخ صدوق (۱۳۷۴)، همان، ج ۱، ص ۲۰۹.

آن‌ها صرفاً به دلیل به دنیا آوردن فرزند و بیان اجر و فضیلت پرداختن به امور خانه، چیزی جز بازتولید نگاه جاهلی نبود؛ با این تفاوت که این بار صبغة دینی به خود گرفت.^۱ این مسئله، ملاک دسته‌بندی زنان بود. در حدیثی به نقل از پیامبر(ص) آمده که زن‌ها چهار دسته هستند: ۱. جامع مجمع؛ زنی که پرروزی و با خیر و برکت است. ۲. ربیع مربع؛ زنی که فرزندی در دامن دارد و فرزندی در شکم. ۳. کرب مقمع؛ زنی بدخو و بدرفتار با شوهرش. ۴. غل قمل؛ آن که در پیش شوهرش مانند قلاده پرشپش باشد.^۲ بر این اساس، خیر بودن و نیکی زنان، به جهت ازدیاد نسل و انس و آرامش مردان و نیز تنظیم امور داخلی و زندگی خانواده بوده است.^۳ بدیهی است، هنگامی که مهم‌ترین وظیفه زن در خانواده فرزندآوری باشد، زن نازا و عقیم، جایگاه چندانی در میان خانواده نداشت. نقل شده که پیامبر(ص) فرموده است: یک حصیر و بوریا که در گوشه‌ای از خانه افتاده باشد، بهتر است از زنی که عقیم بوده و نازا است.^۴

تغییر در بینش جامعه نسبت به جایگاه زن، هدف از ازدواج را نیز در مسیری متفاوت با تلقی اسلام از ازدواج قرار داد. فلسفه ازدواج در اسلام آن است که زن و مرد در کنار یکدیگر به آرامش برسند.^۵ این بینش بر خلاف بینش جاهلی است که هدف اصلی برای زن در ازدواج، شأن مادری و تداوم نسل قبیله بود. البته در اسلام نیز، ازدواج رمز بقای انسان است. امّا، بر خلاف نگرش جاهلی که نگرش کار کردی به زن است تأکید بر اهمیت

۱ مسلم، همان، ج ۳، ص ۱۵۲۱؛ ابوداؤد، همان، ج ۸، ص ۳۷۶؛ ابن‌ماجه، همان، ج ۲، ص ۹۳۷؛ ابن‌حنبل، همان، ج ۲، ص ۳۱۰؛ ج ۳، ص ۴۸۹؛ ابی‌بکره‌هیثمی(۱۳۵۲ق)، همان، ج ۴، ص ۳۰۵؛ شیخ صدوق(۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۲۷۹؛ شیخ صدوق(۱۳۷۰)، همان، ص ۴۱۱.

۲ ابن‌اثیر، همان، ج ۴، ص ۳۵؛ مجدالدین محمد بن یعقوب الفیروزآبادی(۱۳۷۱ق)، القاموس المحیط، ج ۳، قاهره: مکتبه مصطفی البابی الحلبی و اولاده، ص ۵۸۲؛ نیز نک: ابن‌جوزی، همان، ص ۲۷۶؛ شیخ صدوق(۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۱۴؛ شیخ صدوق(۱۳۷۴)، همان، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳ شیخ صدوق(۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۱۱.

۴ شیخ صدوق(۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۲۶۳؛ شیخ صدوق(۱۳۸۰)، همان، ج ۲، ص ۶۴۵؛ شیخ صدوق(۱۳۷۰)، همان، ص ۵۶۷؛ شیخ صدوق(۱۳۷۴)، همان، ج ۲، ص ۱۶۸.

۵ سوره روم، آیه ۲۱.

ذاتی ازدواج در اسلام بیش از پیش موضوعیت می‌یابد. ارتباط امر ازدواج و امر ایمان، مهم‌ترین مسئله در تغییر رویکرد به ازدواج است. با این تغییر نگرش، نگاه به زن نیز از وسیله التذاذ جنسی به همراهی برای کسب درجات ایمانی تغییر می‌کند. حال سوال این است که بعد از رحلت پیامبر(ص)، جامعه اسلامی تا چه حد به این نگرش در امر ازدواج پای‌بند بود؟ به نظر می‌رسد با توجه به تغییر بینش جامعه در ابعاد مختلف، این امر نیز دست‌خوش تغییر گردید. گفته شد که مهم‌ترین وظیفه زن در کانون خانواده، به دنیا آوردن فرزند و تربیت آن است. رواج احادیثی در باب فضیلت این عمل، این بینش را تقویت می‌کرد. از سوی دیگر، اطاعت زن از مرد، عدم مشورت با زن و بی‌توجهی به رأی و نظر زن، نشان‌دهنده بی‌اعتنایی جامعه به گفتمان اسلام بود. تأکید فراوان بر امر ازدواج، همان‌طور که در فرهنگ یهود دیده می‌شود در اسلام نیز وجود دارد. این امر نشان از اهمیت ازدواج و پیامدهای آن برای جامعه دارد. رضایت دختر برای ازدواج برخلاف آن‌چه که در جامعه جاهلی بود، هم در فرهنگ یهود^۱ و هم در اسلام لحاظ شده است.^۲ البته تأکید بر ازدواج‌های درون‌قبیله‌ای در فرهنگ یهود^۳ به گونه‌ای که دختر صرفاً باید یکی از مردان قبیله خود را برای ازدواج انتخاب کند، تا حدود زیادی حق انتخاب زن را زیر سوال می‌برد. تأکید و حساسیت در باب ازدواج‌های درون‌گروهی در جامعه اسلامی نیز دیده می‌شود.^۴ هر چند در ثمرات ازدواج برای افراد و جامعه، تردیدی نیست؛ اما، توصیه و تأکید بر ازدواج دختران در سنین پایین که هم در فرهنگ یهود^۵ و هم در روایت‌های اسلامی دیده می‌شود^۶ به نظر

1 Qiddushine,41a- Talmud.

۲ صنعانی، همان، ج ۶، ص ۱۵۸؛ شیخ صدوق (۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۲۶.

۳ تورات، سفر اعداد، ۳:۳۶.

۴ شیخ صدوق (۱۳۶۷)، همان، ج ۵، صص ۴۴، ۲۴.

5 Qiddushine,41a, Talmud.

۶ خلیفه دوم به نقل از پیامبر(ص) گفته است: شنیدم رسول خدا(ص) می‌گوید: در تورات آمده است که هرگاه دختر به سن دوازده سالگی رسید، اگر ازدواج نکرده باشد، گناه آن متوجه پدر آن دختر است. نک: محمد المدعو

می‌رسد که ناشی از دغدغه و نگرانی است که پدر از بابت فرزند دختر دارد؛ ذهنیتی که جامعه نسبت به دختر دارد که مبادا به انحراف کشیده شود و باعث رسوایی پدر و خاندانش شود.^۱ ضمن آن که تعجیل در امر ازدواج دختر تا حدود زیادی حق انتخاب وی را به دلیل شرایط سنی مورد تردید قرار می‌دهد.

توصیه به رفتار مناسب و احترام به همسر که در فرهنگ یهود دیده می‌شود،^۲ در روایت‌های اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است. البته برخی از این روایت‌ها، در کنار توصیه به مدارا با زن، او را موجودی نشان می‌دهند که قابل ترحم است. از آن جا که زن به مانند یک اسیر در خانه مرد است؛ به وی توصیه می‌شود که با اسیر خود رفتار بهتری داشته باشد. در حقیقت، از فحوی برخی از این روایت‌ها برمی‌آید که احترام به زن نه به عنوان شریک مرد که از حقوق مساوی با مرد در زندگی زناشویی برخوردار است، بلکه از آن جهت که مرد ناگزیر است او را در خانه و در کنار خود داشته باشد.^۳ چنین بینشی از باورهای یهود نیز قابل استنباط است.^۴

توصیه به احترام و رفتار مناسب با زن در خانواده از سوی شوهر را نمی‌توان چندان جدی تلقی کرد. بهترین مدعا برای اثبات این مطلب، توصیه به عدم مشورت با زن و پرهیز از عمل کردن به نظرات زن می‌باشد. همان باوری که در یهود، به شدت مرد را از مشورت با زن انذار می‌دهد و مجازات سختی برای مردی که به نظر همسر خود عمل می‌کند، در نظر

عبدالرؤف المناوی (۱۳۵۶ق)، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۶، قاهره: المكتبة التجارية، ص ۳؛ ابن جوزی، همان، ص ۲۰۵.

1 *Talmud*, Sanhedrin, 100 b.

2 Bava Metyiaa, 59 a, *Talmud*.

۳ شیخ صدوق (۱۳۶۷)، همان، ج ۵، ص ۲۷۰؛ شیخ صدوق (۱۳۷۴)، همان، ج ۲، ص ۳۴۵.

4 *Talmud*, Hullin, 84b .

می‌گیرد؛^۱ به همان شدت نیز در متون و منابع اسلامی دیده می‌شود.^۲ در باب طلاق، مهم‌ترین مسئله در جامعه عصر جاهلی آن بود که طلاق بسیار آسان بود. به طوری که هر امر ناخوشایندی از نظر مرد، باعث طلاق زن می‌شد. از سوی دیگر مرد برای آن که مانع از ازدواج زن با فرد دیگری شود، بعد از طلاق دوباره با زن ازدواج می‌کرد و مجدداً او را طلاق می‌داد. این امر چیزی جز تحقیر شخصیت زن نبود. در چنین شرایطی قرآن به احیای هویت و حقوق زن پرداخت. نخستین موضع‌گیری اسلام در برابر طلاق آن بود که از جدایی و گسستن پیوندها از جمله پیوند خانوادگی بیزاری جست. چنین بینشی می‌توانست مانع از طلاق سهل و آسان زن باشد.^۳ با این حال گاه شرایطی پیش می‌آید که جدایی نیز به سان پیوند، یک پدیده حیاتی می‌شود، و آن هنگامی است که ادامه زندگی مشترک، نه امکان‌پذیر است و نه مفید. این‌جاست که قرآن، تدبیری شایسته برای جدایی شرافت‌مندانه می‌اندیشد و می‌فرماید: زنان را با شایستگی برای ادامه زندگی مشترک نگاه دارید یا شرافت‌مندانه رها سازید.^۴ تدابیری اندیشید که از جدایی‌های بی‌مورد و فشار بر زن جلوگیری کند؛^۵ نیز اعلام کرد که زنان مطلقه باید حساب عده را نگه دارند و بعد از آن ازدواج کنند.^۶ آن‌گاه اسلام برای آن که امکان زندگی مشترک زن و مرد را بار دیگر برای آن‌ها مهیا سازد، در ادامه عنوان می‌کند که زنان را در ایام عده از منزل بیرون نکنید و نفقه زن بر عهده مرد است.^۷ این قانون علاوه بر حفظ احترام زن، غالباً زمینه را برای بازگشت شوهر از طلاق و تحکیم پیوند زناشویی

۱ تورات کتاب اول پادشاهان، ۵:۲۱ - ۱۵.

۲ نک: عجلونی، همان، ج ۲، ص ۳؛ محمدبن یعقوب کلینی (۱۳۶۳)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ص ۵۱۸.

۳ محمدبن الحسن الحر العاملی (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۲۶۶.

۴ سوره بقره، آیه ۲۲۹.

۵ سوره بقره، آیه ۲۳۰.

۶ سوره طلاق، آیه ۱.

۷ همان.

فراهم می‌سازد. حال باید دید که آیا بینش اسلام نسبت به مقوله طلاق بعد از عصر نبوی ادامه یافت یا این مسئله نیز دست خوش تغییر گردید؟ فرهنگ یهود^۱ همانند اندیشه اسلام نگاه تابویی و سخت‌گیرانه نسبت به طلاق دارد. تصور بر این بود که با توجه به مذمت امر طلاق، زنان به راحتی و بر سر مسائل جزئی طلاق داده نشوند. اما از برخی گزارش‌ها بر می‌آید که علی‌رغم توصیه و تأکید اسلام بر حفظ حریم خانواده و عدم امکان طلاق زن از سوی مرد به دلیل نارضایتی از یک صفت زن، آنان به راحتی طلاق داده می‌شدند.^۲ همان‌گونه که در جامعه جاهلی وجود داشت. در فرهنگ یهود نیز این پارادوکس دیده می‌شود. با وجود نگاه تابویی به امر طلاق، نگاه غالب آن است که بروز کوچک‌ترین رفتار از سوی زن که مورد قبول مرد نباشد، جواز طلاق زن می‌باشد.^۳ مطلب دیگری که در فرهنگ یهود به چشم می‌خورد^۴ و از فحوای برخی روایت‌های اسلامی^۵ نیز می‌توان چنین مطلبی را دریافت، آن است که شوهری که زنش بر او حکومت می‌کند و یا همسری دارد که او را آزار می‌دهد، دعای چنین فردی مستجاب نمی‌شود و کسی به چنین فردی کمک نمی‌کند. چرا که این مرد به وظیفه خود که طلاق دادن چنین زنی باشد، عمل نکرده است. در اسلام نیز مانند یهود، حق طلاق با مرد بود. اما با دستوراتی که داده شد، راه هرگونه سوء استفاده برای مردان بسته شد. البته رواج اندیشه‌هایی که طلاق زن ناسازگار را، بدون تعیین مصادیق این موضوع وظیفه مرد می‌دانست، عملاً راه را برای سوء استفاده مردان هموار کرد. بدیهی است با توجه به بازتولید نگاه جاهلی به زن در ابعاد مختلف، این بار نیز شاهد

۱ توراته ملاکی، ۲: ۱۳.

۲ برای نمونه: مغیره بن شعبه، زنش را به علت آن که در سحرگاهان، مسواک می‌زد، طلاق داد (ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۱۶، ص ۹۷). مردی به دلیل آن که همسرش با مهمان‌های وی بد رفتاری می‌کرد، طلاق داد (محمد بن محمد غزالی (۱۳۶۱)، نصیحة الملوك، تصحیح جلال الدین همایی، تهران: انتشارات بابک، ص ۲۶۵).

۳ توراته تشیه، ۱: ۲۴.

4 *Talmud, Bava Metyiaa, 75b.*

۵ شیخ صدوق (۱۳۶۷)، همان، ج ۳، ص ۱۶۸؛ شیخ صدوق (۱۳۷۴)، همان، ج ۱، ص ۲۶۸.

باز تولید نگاه جاهلی به طلاق زن باشیم؛ یعنی رواج طلاق سهل و آسان زن در جامعه اسلامی به مانند عصر جاهلی. این امر ابزاری شد در دست مردان برای تحقیر زن.^۱

ارزیابی احادیث

در بررسی روایت‌ها برای تشخیص خبر صحیح از غیر صحیح، هم نقد متن حدیث، و هم نقد اسناد مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از معیارها و موازین بررسی متن حدیث، عرضه روایت به قرآن و سنت و سیره قطعی پیامبر (ص) است.^۲ در پژوهش حاضر، شاخص‌های جایگاه زن در خانواده بر اساس گفتمان قرآن و گفتمان نبوی و نیز فرهنگ یهودی بررسی شده است. روایت‌های منقول از فرهنگ یهودی مشتمل بر سه دسته است؛ دسته‌ای از این عناصر فکری، آن‌هایی است که با منابع اصیل اسلامی مغایرت دارد. مقایسه گفتمان قرآن و گفتمان نبوی با مرویات مورد توجه در این پژوهش، نشان‌دهنده نوعی تعارض میان این روایت‌ها با گفتمان اسلام است. با توجه به نفوذ اسرائیلیات در زمینه‌های مختلف و از جمله در موضوع مورد پژوهش به نظر می‌رسد محدودیتی که در فرهنگ یهودی در

۱ این احادیث بر اندیشه جامعه سیطره داشت. بهترین شاهد برای این مدعا، کتب ادبی، اشعار و حکایت‌هایی است که توسط ادیبان به نظم و نثر کشیده شده است. بیش‌ترین میزان نگاه تحقیرآمیز و اهانت به زن در ادبیات و فرهنگ عامه قابل پیگیری است. به دلیل استناد شعرا و نویسندگان در آثار خود به فرهنگ عامه، می‌توان بسیاری از ویژگی‌های زندگی مردم عوام از فرهنگ و آداب و رسوم و اعتقادات و باورها را در آن‌ها یافت. آن‌چه که به عنوان شاخص‌های نگاه جامعه در باب موقعیت زن در خانواده گفته شد می‌توان در اشعار سعدی به روشنی ملاحظه کرد. در آثار او علی‌رغم علاقه مردان به زنان و وصف زیبایی‌های آنان و ستایش ایشان، زن در مقام همسر و دختر باید چون پرنده‌ای زندانی در قفس خانه مطیع اوامر مرد باشد. زنی شایسته است که هرگاه مرد خواست بتواند از خدمات او در خانه بهره‌مند شود و هرگاه خواست او را بیرون و زنی تازه را جانشین او کند. «زن نو کن ای دوست هر نو بهار؛ که تقویم پاری نیاید به کار». زنی که در آثار سعدی حکم همسر را دارند، پرده نشینانی نادان هستند که در هر حال مردان بر آنان برتری دارند. زاینده‌گانی هستند که هدف از آمیزش با آنان فرزند است و آن‌هم فرزند پسر. آنان در خانه محبوس هستند و حق بیرون رفتن ندارند. زن خوب، زن فرمانبر است و پارسایی وی در سایه همان فرمانبری معنا می‌شود. اگر زن از مرد اطاعت نکند بر مرد است که از دست او گریزد (مصلح‌الدین سعدی (۱۳۶۳)، بوستان، تهران: خوارزمی، ص ۱۶۳).

۲ معماری، همان، ص ۳۲.

ارتباط با موقعیت زن در خانواده وضع شده، در احادیث اسلامی نیز بازتاب یافته است. به عبارت دیگر، مرویات مورد پژوهش، هم‌سویی بیشتری با باورهای یهودی دارند تا گفتمان اسلام. تعارض آن‌ها با منابع اصیل اسلامی در صحت این روایت‌ها تردید ایجاد می‌کند. هنگام تشخیص حدیث صحیح از غیر صحیح، علاوه بر نقد متن روایت‌ها، نقد سند نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. گاهی ممکن است راویان یک روایت، ثقه و مورد اعتماد باشند؛ اما متن روایت، صحیح نباشد. به تعبیر دیگر، در این حالت می‌توان گفت که راویان جعل شده‌اند. یعنی همان‌گونه که متن جعل می‌شود، جعل سند نیز وجود دارد.^۱ با وجود این، برای تشخیص حدیث صحیح از سقیم توجه به احوال راویان اهمیت دارد.

در اسناد مرویات بررسی شده در پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که احبار نومسلمان تأثیر مستقیمی نداشته‌اند.^۲ اما در سند این مرویات، راویان مشهور به نقل روایت از احبار نومسلمان دیده می‌شوند.^۳ هم‌چنین راویانی که با سیاست خلفا هم‌سو بودند اجازه نقل حدیث داشتند.^۴ نکته قابل تأمل این است که تعداد قابل توجهی از راویان این روایت‌ها «بصری» هستند.^۵ برخی از راویان این روایت‌ها از موالیان خاندان اموی^۶ و برخی نیز از کارگزاران حکومت اموی و عباسی هستند.^۷ تعدادی از آنان نیز به نقل از راویان مشهور به نقل اسرائیلیات پرداخته‌اند.^۸ در این میان راویانی

۱ همان، ص ۷۶

۲ در سند روایت‌های مربوط به آفرینش زن می‌توان تأثیر مستقیم آن‌ها را دید. برای نمونه نک: وهب‌بن‌منبه؛ محمدبن جریر طبری (۴۱۵ق)، جامع البیان عن تأویل القرآن، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ص ۲۷۳.
 ۳ برای نمونه نک: ابوهریره؛ نیز نک: نقل عثمان بن الهیثم (احمد بن علی بن حجر عسقلانی (۴۰۴ق)، تهذیب التهذیب، ج ۷، دمشق: دارالفکر، ص ۱۳۹). از عبدالملک بن جریج که محور روایت‌های اسرائیلی در زمان تابعین است.

۴ برای نمونه نک: عایشه؛ ابن جوزی، همان، ص ۱۴۹.

۵ برای نمونه نک: شعبه بن حجاج؛ ابن حجر عسقلانی (۴۰۴ق)، ج ۴، ص ۳۰۸؛ محمد بن مثنی، همان، ج ۹، ص ۳۶۸.

۶ نک: قزعه بن یحیی، همان، ج ۸، ص ۳۲۷.

۷ نک: سلیمان بن حرب، همان، ج ۴، ص ۱۶۱.

۸ برای نمونه نک: قزعه بن یحیی، همان، ج ۸، ص ۳۲۷.

هستند که به خلط روایت‌ها و نیز نقل روایت‌های ضعیف متهم شده‌اند.^۱ وجود راویان ضعیف،^۲ در اسناد مرویات جوامع روایی شیعه نیز در صحت این روایت‌ها تردید می‌آفریند. با وجود اعتماد به وثاقت تعدادی از این راویان، تعارض متن روایت‌ها با گفتمان اسلام، احتمال تحریف و جعل در این روایت‌ها را دور از ذهن نمی‌سازد؛ لذا، صحت و حجیت این دسته از روایت‌ها را می‌توان مورد تردید قرار داد.

نتیجه‌گیری

در حیات جاهلی، قدرت مردانه بر ابعاد مختلف زندگی زنان تأثیر گذاشته بود. در نتیجه؛ زن مطیع مرد بود. هویت انسانی زنان جز در سایه حضور مردان معنایی نداشت. اما براساس گفتمان قرآن و گفتمان نبوی، زن مستقل به نفس و متکی بر خویش گشت. براساس بینش قرآن، زن نیز مانند مرد می‌تواند خودش در سرنوشت خویش تصمیم بگیرد و مستقل عمل کند. از سوی دیگر، اسلام در عین این که اختلاف طبیعی بین زنان و مردان را می‌پذیرد، به تساوی حقوق آن دو نیز تصریح می‌کند. با توجه به گفتمان اسلام در باب نقش زن در خانواده می‌توان گفت که زن و مرد هر یک در خانواده وظایفی به عهده دارند و در مقابل از حقوقی برخوردار هستند. این دیدگاه برخلاف بینش جاهلی بود که در آن، زن در مقابل انجام وظایف و تعهداتش از هیچ حقوقی برخوردار نبود. علی‌رغم اشاره قرآن به حقوق و وظایف متقابل زن و مرد نسبت به یکدیگر، از مضمون برخی روایت‌ها این گونه مستفاد می‌شود که در چارچوب خانواده، صرفاً مردان بر زنان حقوقی دارند و زنان حقی بر مردان ندارند. این زنان هستند که ملزم به انجام تعهداتشان در قبال مردان می‌باشند. آن چه که به عنوان احادیث اسلامی در باب جایگاه زن در خانواده در جامعه رواج یافت، هم‌سو با نگرشی

۱ برای نمونه نک: عبدالملک بن عمیر، همان، ج ۶، ص ۳۵۹؛ حمید الطویل، همان، ج ۳، ص ۳۴.

۲ نک: جابر بن یزید جعفی؛ ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (۱۳۴۱ق)، فهرست اسماء مصنفی الشیعه معروف به رجال نجاشی به تحقیق موسی شبیری زنجانی، ج ۱، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ص ۱۰۰.

بود که در این زمینه در فرهنگ یهود وجود داشت. به نظر می‌رسد، نفوذ عناصر فرهنگ یهود در این زمینه در جامعه اسلامی از دو طریق صورت گرفت: برخی از این عناصر، توسط عرب‌های مسلمان که از دوره جاهلی با آن‌ها در ارتباط بودند؛ برخی دیگر توسط احبارنومسلمان و راویان آن‌ها، به فرهنگ اسلامی راه یافتند. دستورات مربوط به ایجاد محدودیت برای خروج زن از خانه و نیز دخالت مرد در انجام برخی امور عبادی زن، متأثر از باورهای یهود و هم‌سو با همان اندیشه جاهلی توسط احبار نومسلمان و راویان آن‌ها، در بازتولید نگاه جاهلی به زن تأثیرگذار بود.

منابع و مأخذ

- الألوسی البغدادی، محمود شکری [بی‌تا]، بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن الأثیر، مجدالدین ابن الجزری (۳۸۳ق)، النهایة فی غریب الحدیث، تحقیق طاهر احمد الزاوی، مصر: دار إحياء الکتب العربیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۴۲۳ق)، احکام النساء، تحقیق علی بن محمد یوسف، بیروت: المكتبة العصرية.
- ابن حجر الهیثمی (۴۰۶ق/۱۹۸۶م)، الإفصاح عن أحادیث النکاح، تحقیق محمد شکور المیادینی، عمان: دار عمان.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی [بی‌تا]، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفة.
- ---- (۴۰۴ق)، تهذیب التهذیب، دمشق: دارالفکر.
- ابن حنبل، احمد (۴۰۴ق)، المسند، تحقیق احمد محمد شاکر، مصر: دارالمعارف.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۴۰۷ق)، سنن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی [بی‌تا]، سنن، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابوریثه، محمود، اضواء علی السنة المحمدیه [بی‌تا]، بیروت: مؤسسة منشورات الاعلمی، للمطبوعات.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین [بی‌تا]، الاغانی، به کوشش عبدالکریم ابراهیم العرباوی، بیروت: مؤسسة جمال للطباعة و النشر.

- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، صحیح، بیروت: دارالقلم .
- بیستونی، محمد (۱۳۸۸)، تفسیر زنان، مشهد: آستان قدس.
- البیهقی، احمد بن الحسین (۱۳۴۴ق)، السنن الكبرى، حیدرآباد هند: دائرة المعارف النظامیه.
- جواد علی (۱۴۱۳ق)، المفصل فی التاريخ العرب قبل الاسلام، بغداد: [بی‌نا].
- الحاج حسن، حسین (۱۹۸۴م)، حضارة العرب فی عصر الجاهلیه، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزیع.
- الحر العاملي، محمد بن الحسن (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی .
- الحاكم النیسابوری [بی‌تا]، المستدرک علی الصحیحین، ریاض: مكتبة النصر الحديثه .
- الزرکلی، خیرالدین (۱۹۸۶م)، الاعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء، بیروت: دارالعلم للملایین.
- زکی یمانی، احمد (۱۳۸۵)، اسلام و زن، ترجمه سید ضیاء مرتضوی، قم: انتشارات میثم تمار.
- راسل، برتراند آرتور ویلیام [بی‌تا]، زناشویی و اخلاق، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر اندیشه.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۶۳)، بوستان، تهران: انتشارات خوارزمی.
- السیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۰ق)، اسبال الکساء علی عورات النساء، تحقیق خالد عبدالکریم السیوطی و عبدالقادر أحمد عبدالقادر، کویت: مكتبة دارالعروبة للنشر و التوزیع .
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی (۱۳۶۷)، من لایحضره الفقیه، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران: نشر صدوق.
- ---- (۱۳۸۰)، علل الشرايع و الاسلام، ترجمه محمد جواد ذهنی، قم: مؤمنین.
- ---- (۱۳۷۴)، خصال، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: انتشارات کتابچی.
- ---- (۱۳۶۷)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق .
- ---- (۱۳۷۰)، امالی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: انتشارات کتابچی.
- ---- (۱۳۷۳)، مواعظ، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران: عطارد.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۳۹۲ق)، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، بیروت، [بی‌نا].
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، جامع البیان عن تأویل القران، بیروت، دارالفکر .
- العجلونی، اسماعیل بن محمد (۱۳۵۱ق)، کشف الخفاء و مزیل الالتباس، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- غزالی، محمد بن محمد (۱۳۷۷)، احیاء علوم الدین، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ---- (۱۳۶۱)، نصیحة الملوک، تصحیح جلال الدین همایی، تهران: انتشارات بابک.
- الفیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۳۷۱ق)، القاموس المحیط، قاهره: مکتبه مصطفی البابی الحلبي و اولاده.
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۹۷۲م)، صحیح، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- کتاب مقدس (کتب عهد عتیق و عهد جدید) (۱۰۹۴م)، ترجمه از عبرانی و کلدانی و یونانی، به همت انجمن پخش کتب مقدسه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوهن، آبراهام (۱۳۸۲)، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه انگلیسی امیر فریدون گرگانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- لوبون، گوستاو (۱۳۶۸)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هادی خاتمی، تهران: کتابخانه صدر.
- مالک بن انس (۱۴۰۶ق)، الموطأ، تحقیق فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مشارقه، محمد زهیر (۱۹۸۸م)، الحیاة الاجتماعیة عند البر فی الوطن العربی، دمشق: دار طلاس للدراسات و الترجمة و النشر.
- معارف، مجید (۱۳۷۴)، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: موسسه فرهنگی و هنری ضریح.
- معماری، داود (۱۳۸۴)، مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشه و ران شیعه، قم: بوستان کتاب.
- المناوی، محمد المدعو عبدالرؤوف (۱۳۵۶ق)، فیض القدير شرح الجامع الصغیر، قاهره: المکتبه التجاریة.
- المنذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی (۱۹۶۸م)، الترغیب و الترہیب، تحقیق مصطفی محمد عماره، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۱)، زن در اندیشه اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۳۴۱ق)، فهرست اسماء مصنفی الشیعه معروف به رجال نجاشی به تحقیق موسی شیبیری زنجانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- نسایی، احمد بن شعیب (۱۴۰۸ق)، سنن با شرح سیوطی و حاشیه سندی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الهیثمی، علی بن ابی بکر (۱۳۵۲ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره: مکتبه القدسی.

----- (۱۳۹۹ق)، کشف الأستار عن زوائد البزار، تحقیق حبيب الرحمن الأعظمی، بیروت: مؤسسه الرساله.

مقالات

- آئینه‌وند، صادق (۱۳۸۶)، «زن و تاریخ»، مجله مطالعات زنان، ش ۱.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۶۷)، «راه‌های نفوذ اسرائیلیات در تاریخ اسلام»، پیام حوزه، ش ۱۳.
- جمشیدی، غلام‌رضا و زائری، قاسم (۱۳۸۷)، «سیاست‌گذاری فرهنگی پیامبر(ص) و تأثیر آن بر موقعیت فرهنگی-اجتماعی زنان در زیست جهان جاهلی»، پژوهش زنان، ش ۴.

مآخذ انگلیسی

- Lewis, Bernard (1984), *The Jews of Islam*, Princeton.
- *Talmud*, (English).
- Do.L (1978-1982), "Woman", *Encyclopedia Judaica*, Jerusalem: Keter .
- S.Halperin (1982 -1978) , "Marriage", *Encyclopedia Judaica*, Jerusalem:Keter.
- Sheluhei,yaari (1982 -1978) , "Divorce", *Encyclopedia Judaica*, Jerusalem:Keter.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی